

تأثیر نماز بر اختلالات عصبی

زیربنای بروز اختلالات عصبی این است که مبتلایان به این اختلال، نیاز مفرطی به جلب توجه اطرافیان دارند و حتی می‌خواهند مرکز همه توجهات قرار بگیرند. این افراد نیاز مبرمی به محبت و تایید اطرافیان در خود احساس می‌کنند که البته ارضای این نیاز برای اطرافیان بسیار دشوار است. براین اساس چنانچه انسان، پیوسته کسی را در دسترس داشته باشد که آن شخص را قدرتمندترین قدرتمندان و در عین حال مهربان‌ترین مهربانان بداند و متوجه باشد که آن قدرتمند مهربان پیوسته به او نگاه می‌کند و به امور او بیش از هرکسی آگاه است و از هیچ نعمت و محبتی نسبت به او دریغ نمی‌کند، دیگر هرگز محبت و عشقی را از غیر او، انتظار نخواهد داشت، در نتیجه احتمال ابتلا به اختلالات عصبی در مورد او بسیار کم خواهد بود و این صفت (انتظار نداشتن عشق و محبت جز از خدا) صفت بندگان خالص خدا و نمازگزاران حقیقی است. آنان که معنی «اذکرونی اذکرکم» را به خوبی دریافته‌اند و می‌دانند که در مقابل لبیک آن‌ها به پروردگار عالم (در اقامه نماز و ذکر روزانه پروردگار)، خدای تبارک و تعالی نیز به آنان توجهی فوق حد تصور می‌کند. پس از نظر پیشگیری می‌توان گفت، امکان ابتلای نمازگزار واقعی به این قبیل اختلالات که ناشی از نیاز به توجه اطرافیان و غیر خدا می‌باشد، چیزی در حد صفر خواهد بود. اما از نظر درمان باید به خاطر داشت که بیماران عصبی، تلقین‌پذیرند و به همان سهولت که به تلقین‌های مضر جواب می‌دهند، به تلقین‌های مفید نیز پاسخ می‌دهند. به این ترتیب تلقین‌های سازنده روانی توأم با نماز، به خصوص تلقینی که به وسیله نماز انسان در مقابل مهربان‌ترین، دلسوزترین و متوجه‌ترین و در عین حال تواناترین و موثرترین و قدرتمندترین موجود هستی به وجود می‌آید، می‌تواند به عنوان درمانگر این قبیل اختلالات مطرح باشند؛ زیرا با تکرار نمازهای یومیه، نمازگزار می‌آموزد برای آن که بتواند رحمت بیکران خالق آفرینش را به سمت خود متوجه سازد، چاره‌ای ندارد جز آن که دستورات سعادت‌بخش او را اجرا کند و در صدر این دستورات این است که پیوسته به اقامه نماز بپردازد.